

قهوه خانه در ایران

در قدیم در گوشه و کنار شهرهای ایران و در سر راهها و منزلگاههای میان شهری قهوه خانه هایی دایر بود. قهوه خانه های قدیم درون شهری بهترین و جذابترین اماکن عمومی شهرها برای گذراندن اوقات فراغت بودند. هر یک از آنها معمولاً محل اجتماع و پاتوغ گروهی از قشرها و صنفهای گوناگون بود. قهوه خانه های سرراهی یا میان جاده ای که به آنها چایخانه هم می گفتند، اکثراً سرپناهمایی برای استراحت و رفع خستگی مسافران خسته و مانده بین راهی بود. این قهوه خانه ها معمولاً به دسته و صنفی خاص اختصاص نداشتند و مشتریان آنها رهگذرانی بودند که برای نوشیدن چای و کشیدن قلیان و خوردن صبحانه یا نهار و یا شام به این قهوه خانه ها می رفتند.

نخستین قهوه خانه ها در ایران در دوره صفویان، و به احتمال زیاد در زمان سلطنت شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ هـ. ق)، در شهر قزوین پدید آمد و بعد در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۰۸ هـ. ق) در شهر اصفهان توسعه یافت. قهوه خانه در آغاز همان گونه که از نامش پیداست، جای قهوه نوشی بود.

با آمدن چای به ایران و کشت این گیاه در بعضی از مناطق شمالی ایران و ذائقه پذیر شدن طعم چای دم کرده میان مردم، کم کم چای جای قهوه را در قهوه خانه گرفت. از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری چای نوشی در قهوه خانه ها معمول شد. لیکن نام قهوه خانه همچنان بر آنها باقی ماند.

در دوره قاجار، به خصوص دوره پادشاهی ناصرالدین شاه زمینه برای گسترش قهوه خانه در شهرهای بزرگ، از جمله شهر تهران، فراهم گردید. با ریشه گرفتن قهوه خانه در متن جامعه و میان توده مردم و توسعه آن در شهرها قهوه خانه توانست به صورت یک واحد صنفی فعال با کارکرد اجتماعی - فرهنگی ویژه و مشخصی خودنمایی کند.

پیش از پا گرفتن قهوه خانه های عمومی در شهرهای ایران، در دربار پادشاهان صفوی آبدارخانه هایی بود که در آنها قهوه می ریختند و به درباریان و مهمانان آنان می نوشانیدند. همراه با رسم قهوه پزی در دربار صفوی، شغل قهوه چیگری نیز پدید آمد و از مناصب مهم درباری شد.

قهوه چیان را از لحاظ نوع قهوه خانه ای که می گردانند و چگونگی کار و وظیفه شان می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. قهوه چیان شهرها که در هر محله و کوچه و گذر، یا درهر بازار و بازارچه و سرایی قهوه خانه ای داشتند،

قهوه خانه هایشان محل تجمع صنفهای مختلف بود. در هر یک از این قهوه‌خانه‌ها کارگرانی بودند که قهوه چپها را در گرداندن قهوه خانه و عرضه خدمات به مردم کمک می‌کردند، مانند کارگرهای “پای بساط”، “جارچی”، “قندگیر”، “استکان‌شوی”، “قلیان چاق‌کن” یا “سرچاق‌کن”، “آتش بیار” و “دیزی‌پز”.

هر یک از حمامهای عمومی معتبر شهرها نیز قهوه‌خانه یا آبدارخانه‌ای داشت که آن را یک قهوه چی یا یک قلیاندار یا یک غلام قهوه چی می‌گرداندند و از مشیریان با چای و قلیان و چپق پذیرایی می‌کردند.

۲. قهوه چیان قهوه خانه های خصوصی؛

در دوره صفوی در دربار پادشاهان کسانی به نام “قهوه چی باشی” آبدارخانه دربار را می‌گرداندند. در عهد ناصرالدین شاه نوشیدن قهوه و چای، هر دو در دربار و خانه های بسیاری از روحانیان، اعیان و رجال درباری معمول شد که اینان آبدارخانه ها یا قهوه‌خانه هایی در دربار و خانه های خود برپا کرده بودند. در این آبدارخانه ها، قهوه چیان و قلیان چاق‌کنان ماهر با منصبهای قهوه چی، غلام قهوه چی و قلیاندار و قهوه چی باشی یا آبدارباشی به کار گمارده شده بودند.

۳. قهوه چیان قهوه خانه های موقت

به هنگام عزاداریها و روضه خوانیهای بزرگ، به خصوص عزاداریهای سالار شهیدان، امام حسین (ع)، در دهه محرم و اربعین حسینی در ماه صفر، و در مجالس عروسی و میهمانیهای بزرگ، مانند ولیمه بازگشت از سفر حج یا ختنه سوران، و اجتماع های صنفی و سیاسی قهوه‌خانه هایی در طول ایام گردهمایی ها برپا می‌شد. این قهوه‌خانه ها در خانه ها و تکیه ها و مساجد دایر بود.

۴. قهوه چیان دوره گرد

قهوه چپرگی دوره گرد یا سیار یکی از شغل های سرپایی رایج در شهرها بود. قهوه چیان دوره گرد بساطی ساده و جمع و جور داشتند. این گروه قهوه چی، قهوه یا چای را به کوچه و بازار می‌بردند و در محل تجمع کارگران و پیشه‌وران و کسبه بساط می‌افکندند و از راه فروش قهوه و چای زندگی را می‌گذراندند.

قهوه خانه در جامعه ایران، تحول و دگرگونی بزرگی در شکل گردهمایی های مردم و شیوه گذراندن اوقات فراغت و نوع سرگرمی های آنان فراهم آورد. مردم از هر قشر و گروه هر روز پس از دست کشیدن از کار روزانه، و در ایام و اوقات بیکاری در قهوه خانه ها جمع می‌شدند و ساعتها به گفت و گو با هم و تبادل نظر درباره کارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می‌پرداختند.

در مجالس شبانه قهوه‌خانه‌ها، به خصوص شبهای ماه رمضان که آیینهای سخنوری و مرثیه سرایی و نقالی و شاهنامه خوانی و بازیهای قهوه‌خانه‌ای در آن برگزار می‌شد، معمولاً جمع زیادی از اهالی محل و مردم محله‌های دیگر شرکت می‌کردند و در یک محفل انس و دوستی و فضای فرهنگی و ادبی با هم ارتباط برقرار می‌کردند.

قهوه‌خانه که تا چند دهه پیش کانون نشر و ترویج فرهنگ سنتی و دستاوردهای ادبی و هنری گذشتگان ما بود و توانسته بود تا حدی یادمانهای گذشته را در جامعه ایران و میان عامه مردم زنده و پایدار نگه دارد کم‌کم کارکرد خود را از دست داد و صرفاً به محلی برای نوشیدن چای و خوردن صبحانه و ناهار، و رفع خستگی درآمد و در زمان حاضر با رونق فرهنگ غربی در میان ایرانیان و با جایگزین شدن ساندویچ‌فروشیها، کافی‌شاپها و... قهوه‌خانه‌ها متروک شدند و دیگر هیچ اثری از آن قهوه‌خانه‌ها در زندگی اجتماعی ایرانیان مشاهده نمی‌شود مگر در برخی روستاها که هنوز بافت سنتی آنها دست نخورده باقی مانده است. در سالهای اخیر برخی از افراد با ذوق در تهران و بعضی شهرهای دیگر ایران اقدام به بازسازی قهوه‌خانه‌هایی با حفظ بافت سنتی آن کرده‌اند، برای نمونه می‌توان از قهوه‌خانه سنتی آذری نام برد که بازسازی آن براساس طرحی بر پایه مدارک و اسناد تاریخی و اطلاعات شفاهی صاحب‌نظران و مطلعان تهیه شده است. در بازسازی و ترکیب‌بندی فضاها و نماها و آرایه‌ها کوشش شده تا عمدتاً از آجر و کاشی و سنگ و چوب و گچ و کاهگل استفاده شود تا بر اثر آمیختگی این نوع مصالح با هم در فضاها بافتی از معماری سنتی قهوه‌خانه‌های قدیم در چشم بینندگان تجلی یابد.

فضاهای ساختمان قهوه‌خانه با مجموعه‌ای از پرده و تابلوی نقاشی، شمایل حضرت امیرالمومنین علی (ع)، عکسهای پهلوانان، اسباب و اشیای قدیم و زینتی، اسباب و اشیای مذهبی و گل و گلدان آرایش شده است.

لباس کارکنان قهوه‌خانه، از قهوه‌چی و بساط‌دار و جارچی گرفته تا چای‌بده و دیزی‌پز و استکان‌جمع‌کن؛ لباسی است همشکل طرح لباسها از شکل لباسهای رایج مردم و قهوه‌چیان در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی برگرفته شده است.